

۲.۴۵۹۶۸

تیمور لنگ

هارولد لمب

مترجم: علی جواهر کلام

www.ketab.ir



سرشناسه: لمب، هرولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲. Harold Lamb عنوان و نام
 پدید آور: تیمور لنگ / هارولد لمب؛ ترجمه علی جواهر کلام. مشخصات نشر:
 تهران: بانوی دریا، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص. شابک:
 ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۸-۱۸-۳ وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: عنوان
 اصلی: Tamerland, the earth shaker یادداشت: این کتاب در سالهای
 مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است. یادداشت: کتابنامه به صورت
 زیرنویس. موضوع: تیمور گورکانی، ۷۳۶ - ۸۰۷ ق. موضوع: Timur,
 1336-1405 موضوع: مغولان - تاریخ موضوع: Mongols-History موضوع:
 ایران - تاریخ - تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. رده بندی دیویی: ۰۶۶۱/۹۵۵
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ل ۸ت ۹ ۱۰۹۷ DSR شناسه افزوده: جواهر کلام،
 علی، ۱۲۷۵ - ۱۳۵۵ - مترجم. شماره کتابشناسی: ۵۱۳۳۸۷۲

تیمور لنگ

هارولد لمب

مترجم: علی جواهر کلام

ناشر: انتشارات بانوی دریا

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۸-۱۸-۳

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



تهران: خیابان جمهوری اسلامی، خیابان ابوریحان، کوچه نوساز، پلاک ۷

تلفن: ۹۸۵۶ ۶۶۴۷

فهرست

۷	مقدمه مؤلف
۷	سعی و کوشش
۱۳	فصل اول: ماوراءالنهر - آن طرف رود جیحون
۱۷	فصل دوم: مرغان باغ و خُود
۲۳	فصل سوم: شاه آفرین (تاج بخش) سالی سارای
۲۹	فصل چهارم: بانوی خانداندار
۳۵	فصل پنجم: تیمور دیپلمات
۴۳	فصل ششم: سرگردان
۵۱	فصل هفتم: یک شتر و یک اسب
۵۷	فصل هشتم: کنار پل سنگی
۶۱	فصل نهم: جنگ باران
۶۷	فصل دهم: دو امیر
۷۷	فصل یازدهم: روی پشت بام دنیا
۸۳	فصل دوازدهم: زین الدین سخن می گوید
۹۱	فصل سیزدهم: کار صوفیان
۹۹	فصل چهاردهم: سمرقند
۱۰۷	فصل پانزدهم: قزل اردو
۱۱۷	فصل شانزدهم: در جاده های استپ
۱۲۷	فصل هفدهم: در سرزمین سایه ها
۱۳۵	فصل هیجدهم: مسکو

فصل نوزدهم: ساقیان - هم پیاله‌ها	۱۴۵
فصل بیستم: قلمرو وسیع	۱۵۷
فصل بیست و یکم: برپشت زین	۱۶۵
فصل بیست و دوم: سلطان احمد بغدادی	۱۷۳
فصل بیست و سوم: محروسه‌ی سمرقند	۱۸۱
فصل بیست و چهارم: خانم بزرگ و خانم کوچک	۱۹۳
فصل بیست و پنجم: مسجد جامع تیمور	۲۰۱
فصل بیست و ششم: جنگ سه ساله	۲۰۷
فصل بیست و هفتم: یوحنای اسقف به اروپا می‌رود	۲۱۵
فصل بیست و هشتم: آخرین جنگ صلیبی	۲۲۱
فصل بیست و نهم: تیرر و ایلدرم به هم می‌رسند	۲۲۹
فصل سی ام: پشت دروازه‌های اروپا	۲۳۹
فصل سی و یکم: دنیای سید	۲۴۷
سرانجام	۲۵۳
نتیجه کوشش چه بود؟	۲۵۳
یادداشت‌ها	۲۶۱
خردمندان در میدان جنگ	۲۶۱
کمان در مشرق و مغرب	۲۶۲
آتش اندازان	۲۶۴
آنقره	۲۶۵
دوک ویتولدو تاتار	۲۶۹
دو خداوند جنگ	۲۷۱
شاعران	۲۷۳
مغول	۲۷۵
تاتار	۲۷۶

۲۷۸	ترک
۲۸۱	شیخ الجبل
۲۸۳	شهر قشنگ و زیبای تبریز
۲۸۵	کلاویجو در تبریز
۲۸۷	سراپرده امیر
۲۸۷	گنبد بزرگ
۲۸۹	از کله آدم منار می ساختند
۲۹۰	اخلاق و صفات تیمور
۲۹۱	تیمور و مذهب
۲۹۳	منابع

مقدمه مؤلف

سعی و کوشش

پانصد و یک سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفقه شد، ما او را تیمور لنگ می خوانیم.

در آغاز وی چندانی مهم نبود - فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله دار آن سرزمین مرد پرور بهار و خزان یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی برد. اسکندر و چنگیز هر دو متناهی که به جهانگیری برخاستند با خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول‌ها با چنگیز همراه بودند. ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را با خود از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر تراباد ساخت کاروان‌های بازرگانی دو قاره از وسط راه‌های او می گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قلعه‌ی کوه‌های بلند در ظرف یک ماه ده‌ها خانه و عشرت گاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگری این مرد عجیب در مدت حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل چسب‌تر از سرنو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری

می خواندند. آن‌ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیر بی رحمی می شناختند که تا پشت دروازه‌های اروپا رسیده بود و با چادرهای زربافت حرکت می کرد. از کله‌ی کشته‌ها منار می ساخت و شب‌ها در موقع حرکت روی تپه‌ها آتش افروزی می نمود تا راهنمای سپاهیان وی باشد.

اما آسیا این مرد را بهتر می شناخت خوشبختی‌ها و بدبختی‌های وی را یکایک می دانست دشمنان آسیایی وی شهرت داده بودند که او یک گرگ خاکستری رنگ بزرگ زمیر خواری می باشد. اما دوستان و پیروانش می گفتند تیمور شیر زیان و جهانگزی بی بی مقام است.

میلتون^۱ شاعر کر انگاسی پس از شنیدن و مطالعه کردن افسانه‌های مربوط به تیمور ظاهراً رنگ‌ها، رنده درهم آمیخته‌ای به دست آورده که با آن رنگ‌ها شیطان بزرگ خویش را نقاشی و رنگین ساخته است.

تاریخ نویسان دریاره‌ی سبک، کردند، اما شاعران از آن داستان‌ها ساختند. و در هر حال طبقه بندی شرح حال تیمور لنگ، کار آسانی به نظر نمی رسد. تیمور عضو یک سلسله و خاندانی نبوده، اما به واسطه‌ی سلسله‌ای تأسیس کرده است، او مثل آتیلای یکی از وحشیان بود شهر رم را به باد بغما نداد، ولی خودش در صحراهای بی آب و علف شهر رم تازه‌ای بنا نمود که برای خود تاج و تختی فراهم آورد اما قسمت عمده‌ی عمر را پشت زین اسب گذراند. وقتی که او دست به کار ساختمان شد از نمونه‌ی معماری گذشتگان تقلید نکرد و طرح تازه‌ای مطابق نظر خویش ریخت یعنی از مشاهده‌ی صخره‌ها و قلعه‌ی کوه‌ها و گنبد‌های دمشق (پیش از آن که آن شهر را آتش بزند) کلیاتی در نظر گرفته و از روی آن نمونه‌ها بناهایی احداث کرد. همان طرح‌های عالی تیمور نقشه‌ای برای معماری روس‌ها و طراحان جهت ساختمان تاج محل گشت. اتفاقاً عمارت تاج محل هم به دست یکی از نوادگان وی برپا شد.

۱- جان میلتن J Milton از شعرای انقلابی قرن هفدهم انگلستان مهمترین اثر او «جنات مفقوده است».
مترجم.

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر ونیس^۱ توسط شورای ده نفری اداره می‌شد، و رینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نسل پس از مرگ دانتو واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ‌های صد سال دوره بحرانی خود را طی می‌کرد و در عین حال بورگوندی‌ها و اورلئانیست‌ها با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه‌دیوانه به‌طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان‌تر، سیده‌ای بود که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود.

اروپا شیفته‌ی تجملات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می‌نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف پنبه‌ای و فولاد شرق را می‌خواست، آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می‌آمدند. واسطه‌ی همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. و قرطبه و اشلمه و اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آن‌ها برپا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء سبیریه از آنجا می‌یابد، تخته‌سنگی برپا داشته‌اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی و کمتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلبه‌ها و دهات کوچک تشکیل یافته بودند و چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود.

۱. ونیس در قرن چهارده میلادی مهمترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه‌ی اتریش شد و اکنون جزء ایتالیا می‌باشد. مترجم.

ما نمایشگاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می‌دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی‌شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماورای قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می‌دانستند. همین که تیمور به آستانه‌ی ممالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه‌ها و سفراء نزد وی فرستاده او را تیمورلان بزرگ، خداوند تاتاری خواندند. هنری چهارم انگلیس که در ماورای مرز خود با سرداران پروس می‌جنگید، فاتح ناشناس را برای فتوحاتش تحریک گفت، شارل ششم پادشاه فرانسه او را چنین مدح کرد:

«فاتح بزرگ و شاهزاده‌ی معظم تیمور» و مردم هوشیار جنوب پرچم وی را بیرون قسطنطنیه باافراشتند. مانوئل امپراطور یونان از وی درخواست کمک کرد. لرددون هنری که با لطاف، خداوند پادشاه قسطنطیه بود یکی از سرداران نامی خود» روی دو گرنزالیس کلاویجو» را به نام سفیر خدمت تیمور روانه کرد. و کلاویجو، تا سمرقند دنبال فاتح بزرگ رفته و پس از بازگشت راجع به شخصیت تیمور چنین گزارش داد. «تیمور لنگ خداوندگار سمرقند، پس از تسخیر تمام ممالک مغول و هند سرزمین آفتاب را نیز مسخر ساخت. سرزمین آندلس، مملکت عظیم و مهمی می‌باشد. تیمور سرزمین خوارزم را نیز مطیع و مسخر کرده است. رایان و مدیا را هم گشوده است؛ امپراتور تبریز و شهر سلطان را تصرف نموده است. اندلسی ابریشم و زمین‌های دروازه را فتح کرده است؛ ارمنستان صغیر و ارزروم و کاسه‌ایان را تحت تصرف درآورده است؛ فرمانروای هند را در جنگ مغلوب ساخته و بسیاری از ممالک وی را فتح کرده است. شهر دمشق را ویران نموده و شهرهای حلب و بابل و بغداد را زیر پا گذارده است. و پس از گشودن ممالک بسیار و مغلوب ساختن فرمانروایان بی‌شمار و احراز پیروزی‌های فراوان سر وقت با یزید ترک رفته است (وی یکی از فرمانروایان نامی جهان می‌باشد) و او را در جنگ شکست داده به اسیری گرفته است.

کلاویجو که در دربار سمرقند حضور داشته و بسیاری از فرمانروایان جهان و

سفرای مصر و چین را در خدمت تیمور دیده، از شخصیت تیمور آن طور گزارش داده است. او نیز که عنوان سفارت فرنگیان را داشته با گرمی و احترام پذیرفته شده زیرا به قول مشهور «کوچکترین ماهی هم در دریا محل و مقامی دارد».

تیمور در نمایشگاه سلاطین با عظمت اروپا مقامی نداشته فقط در صفحات تاریخ اروپا به طور اختصار آثاری از هول و هراس ایام سلطنت وی دیده می شود. اما برای مردم آسیا هنوز هم تیمور مرد بزرگی است. اکنون پس از پنج قرن بر ما مسلم گشته که تیمور آخرین فاتح بزرگ جهان به شمار می آید. ناپلئون و بیسمارک نسبت به تیمور دوش ای از زوایای تاریخ خزیده اند. که اولی با ناکامی درگذشت و دومی فقط در یک کشور به فتح حیات سیاسی نایل آمد.

در صورتی که تیمور آن امپراتوری بزرگی ایجاد نمود و در هر لشکرکشی موفق بود. او برای مغلوب ساختن آخرین فرمانروای مخالف خویش حرکت کرد و در بین راه مرد و اگر نمی مرد به سرکافش نیز و داشت که او را از پا درآورد.

برای این که بدانیم آن مرد چه در داشت باید شرح زندگی او را بخوانیم. برای درک آن موضوع باید تواریخ اروپا را کنار بگذاریم و تمدن جدید را با اختلافات و نظریات ناشی از آن نادیده انگاریم و باید تیمورلنگ را از نظر اشخاصی مطالعه کنیم که دوش به دوش وی سوار و پیاده می شدند. ما از مانند کلاویجو باید پرده ی هول و هراس تیمور را بدریم و از میان ستون ها و مدره های جمجمه بگذریم و از قسطنطنیه و دریا عبور نماییم و به آسیا وارد شویم - باید از ماه را سرزمین آفتاب گذشته به جاده ی سمرقند رو آوریم. در این موقع که ما عازم آن سفر شده ایم سال ۱۳۳۵ میلادی است. محل ما رودخانه ای می باشد.